

Reasons for the Expansion of Shiite Characterization in the Qajar Era Case

Study: The Book of Qisas al-Ulama by Mirza Mohammad Tonekaboni

Hamidreza Mehrpour¹ | Dariush Nazari² | Mojtaba Garavand,³

(DOI): [10.22034/skh.2023.16196.1417](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16196.1417)

Abstract

Original Article P 168 -193

Characterization is one of the prominent branches of historiography in the Islamic world that deals with the biographies of different classes of society; during the Qajar period, due to the quantitative and qualitative growth of Shiite scholars and the lack of Shiite Characterization, special attention was paid to the category of Shiite Characterization; among these Characterization is Qisas al-Ulama by Mohammad Tonekaboni, which is considered one of the famous Characterizations of this period; Therefore, the present article is organized with a descriptive-analytical method in a library style based on these questions: What are the reasons for the expansion of Shiite Characterization during the Qajar period and what changes did it undergo in terms of structure and form? And what approach did Tonekaboni take to describe the biographies of Shiite scholars in Qisas al-Ulama? Research data indicates that Shiite Characterization was given special attention during this period and underwent minor changes by utilizing Persian prose, writing in a simple style, avoiding difficult terms, innovating in the way of expressing content and writing modern memoirs, and completing previous Characterization while maintaining the structure of the past. And Tonekaboni, while telling the stories that are the main structure of Qisas al-Ulama, has dealt with the biographies of Shiite scholars with a non-critical approach and has also referred to religious, political and social issues; therefore, the Characterization of the Qajar period with these characteristics should be considered in the process of completion, not in the transition period, compared to the Characterization of the predecessors.

Keywords: Characterization, Qajar, Shiism, Qisas al-Ulama, Tonekaboni.

1 - Master's degree in Shiite history, Lorestan University: hamidmehrpoor.lr@gmail.com-

2- Associate Professor of Islamic History, Lorestan University (Corresponding Author): nazari.d@lu.ac.ir

3. Associate Professor of Islamic History, Lorestan University: garavand.m@lu.ac.ir

Received: 2023-06-14 | Revised: 2023-08-20 | Accepted: 2023-08-22



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

علل گسترش تراجم نگاری شیعی در عصر قاجار مطالعه موردی: کتاب قصص العلماء اثر میرزا محمد تنکابنی

حمیدرضا مهرپور^۱ | داریوش نظری^۲ | مجتبی گراوند^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/skh.2023.16196.1417

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۱۶۸/۱۹۳

تراجم نگاری از شاخه های مطرح تاریخ نگاری در جهان اسلام است که به شرح حال طبقات مختلف جامعه می پردازد؛ در دوره ی قاجار به دلیل رشد کمی و کیفی علمای شیعه و کمبود تراجم شیعی به مقوله تراجم نگاری شیعی توجه ویژه ای شد؛ از جمله این تراجم قصص العلماء محمد تنکابنی است که از تراجم مشهور این دوره محسوب می شود؛ از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه ای بر مبنای این سؤال ها سامان یافته است که علل گسترش تراجم نگاری شیعی در دوره قاجار چیست و چه تغییراتی از جنبه ساختاری و شکلی داشته است؟ و تنکابنی در قصص - العلماء با چه رویکردی به شرح حال علما شیعه پرداخته است؟ داده های پژوهش، نشانگر این است که تراجم نگاری شیعی در این دوره به طور ویژه ای مورد توجه قرار گرفته و با بهره گیری از نثر فارسی، روان نویسی و پرهیز از اصطلاحات دشوار، نوآوری در شیوه بیان مطالب و خاطره نویسی نوین و تکمیل و تنظیم تراجم پیشین با حفظ ساختار گذشته تغییراتی جزئی داشته است؛ و تنکابنی ضمن بیان حکایاتی که شاکله اصلی قصص العلماء است با رویکردی غیر انتقادی به شرح حال علمای شیعه پرداخته است و علاوه بر آن به مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی اشاره کرده است؛ از این رو باید تراجم نگاری دوره قاجار را با این ویژگی ها نسبت به تراجم نگاری پیشینان در روند تکمیل نه در دوران گذار خواند.

واژه های کلیدی: تراجم نگاری، قاجار، تشیع، قصص العلماء، تنکابنی.

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه لرستان: hamidmehrpoor.lr@gmail.com

^۲. دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول): nazari.d@lu.ac.ir

^۳. دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه لرستان: garavand.m@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱



مقدمه

تراجم‌نگاری یا شرح‌حال نویسی به کتاب‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها به بیان شرح‌حال اصناف مختلف عالم (جامعه) اسلامی پرداخته باشند. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۲۴) از شاخه‌های مطرح تاریخ‌نگاری است که در شیوه‌های گوناگونی به آن پرداخته‌اند و به این مقوله در ایران در سده‌های متمادی توجه شده است؛ چنان‌که در انواع مختلف تاریخ‌نگاری به شرح حال عرفا، علما، شعرا و... با شیوه خاص شرح‌حال نگاری ایرانی پرداخته شده است.

در دوران صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ق / ۱۵۰۱-۱۷۳۶ م) به دلیل قرار دادن تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران در زمینه تراجم‌نگاری شیعی تغییراتی صورت می‌گیرد؛ چنان‌که ریاض العلماء و حیاض الفضلای میرزا عبدالله اصفهانی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ ق) محصول این دوره است؛ در این دوره است که می‌شود تراجم‌نگاری ایرانی را با همتهای خود در دیگر بلاد اسلامی قابل مقایسه دانست. (آژند، ۱۳۹۴: ۳۴)

با ظهور سلسله قاجار در سپهر سیاست ایران به سال ۱۲۱۰ ق به مقوله تاریخ‌نگاری توجه ویژه‌ای شد و دلیل اصلی این توجه را باید در علاقه شاهان قاجار به تاریخ جستجو کرد؛ اما با آشنایی ایرانیان در این دوره با فرهنگ و تمدن غربی و تأثیر آن‌ها در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی موجب شد تغییراتی تدریجی در تاریخ‌نگاری این عصر در طی ۱۳۵ سال حکومت قاجارها صورت گیرد و در آخر منجر به تحول و دگرگونی شود. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۲۴، ۲۴۳) با بروز تحولات ذکر شده و فراهم شدن بسترهای فرهنگی و اجتماعی از لحاظ شکلی و ساختاری در تراجم‌نگاری این دوره تغییراتی حاصل می‌شود. چنان‌که به خاطره نویسی به شیوه نوین در این دوره پرداخته می‌شود و به بیان وقایع سیاسی و اجتماعی و شرح حال اشخاص مشروطه‌خواه و انقلابی و شرح حال زنان جامعه در یک اثر مستقل و تکمیل و تنمیم آثار پیشین و... را می‌شود از ویژگی‌های تراجم‌نگاری و تراجم‌نگاری شیعی در این دوره خواند؛ و باید توجه داشت که در این دوره به دلیل زمینه‌های سیاسی و دینی بیش از دوره‌های پیشین به تراجم‌نگاری شیعی (شرح حال علما شیعه) توجه شده است.

قصص العلماء تنکابنی از مشهورترین تراجم‌شیعی این دوره است که به شرح حال ۱۵۳ عالم شیعی پرداخته است و ذیل شرح حال این اشخاص به حکایات و داستان‌هایی توجه داشته که این حکایات بیانگر ساختارهای دینی، فرهنگی و اجتماعی جامعه آن دوران، شیوه زیست علمای شیعی در ادوار پیشین و جایگاه آن‌ها در جامعه است؛ این حکایات جایگاه و اهمیت قصص العلماء را در عصر

قاجار در بین تراجم دیگر متمایز کرده است.

این ضرورت موجب شد که در این مقاله به این موضوع پرداخته شود و علل توجه به تراجم نگاری شیعی و ویژگی‌های آن در این عصر بررسی شود؛ و برای آشنایی بیشتر با تراجم‌نگاری این دوره به بررسی قصص‌العلما محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ق) که از تراجم مشهور عصر قاجار به حساب می‌آید، پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

تا کنون هیچ پژوهشی به صورت مستقل در زمینه تراجم‌نگاری شیعی در عصر قاجار صورت نگرفته است ولی بعضی از محققان به این موضوع اشاراتی کوتاه داشته‌اند از جمله: ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر به توضیحاتی تحلیلی درباره بعضی از کتاب‌های تراجم این دوره پرداخته است. و باید او را از نخستین افرادی دانست که بررسی این دسته از کتب توجه داشته است. (براون، ۱۳۶۹: ۳۰۷-۳۹۱) یا اینکه یحیی آرین‌پور در تاریخ ادبیات خود از صبا تا نیما صرفاً معرفی کوتاهی از تراجم این دوره آورده است. (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ۱، ۱۹۴) آن لمبتن در ادبیات شرح حال نویسی در ایران به توضیح و مقایسه‌ی بعضی از آثار دوره قاجار با ادوار پیشین توجه داشته و نکات قابل توجهی را در این باره بیان کرده است. (آژند، ۱۳۸۸: ۲۹۸-۲۹۹) فراگنر نیز در خاطرات نویسی ایرانیان در بخشی به بررسی بعضی از آثار در زمینه زندگی نامه نویسی توجه داشته و به صورت مفصل به بررسی خاطره نویسی در عصر قاجار پرداخته است. (فراگنر، ۱۳۷۷: ۷۲) عباس قدیمی قیداری در تداوم و تحول در تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار به عناوین برخی از تراجم این دوره اشاره کرده است اما به توضیح و بررسی آن‌ها نپرداخته است. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۴۵، ۵۴، ۶۵) و درباره قصص‌العلما تا کنون پژوهش تخصصی درخوری صورت نگرفته است و فقط پرویز سلمانی در دانشنامه جهان اسلام مدخل (تنکابنی، محمد بن سلیمان) به صورت کوتاه و مختصر به معرفی و بررسی قصص‌العلما پرداخته است. (سلمانی، ۱۳۸۳: ۸، ۳۰۵، ۳۰۴)

تراجم‌نگاری شیعی در عصر قاجار

تراجم‌نگاری شیعی در عصر قاجار به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت. و کمیت این دسته از کتاب‌ها به درستی بیانگر این موضوع است و قطعاً پرداختن به این گونه از تاریخ-نگاری در این دوره مبتنی بر دلائلی چند است:

نخستین دلیل بر فضای سیاسی و دینی آن دوران مبتنی است؛ رشد کمی و کیفی علما و توجه به آن‌ها در عصر قاجار ایجاب می‌کرده است (زرگری نژاد، ۱۳۹۸: ۴۲۸؛ الگار، ۱۳۹۶: ۸۳، ۸۴) که به

شرح حال علمای شیعه پرداخته شود چرا که حکومت قاجار در تداوم دولت صفویان بوده است. (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۸۴؛ الگار، ۱۳۹۶، ص ۷۸) در دوران صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵) با ترویج مذهب تشیع به هر شکلی علما شیعه و شعائر شیعی مورد توجه قرار گرفتند؛ چنان که شاه صفوی، محقق کرکی (۸۶۵-۹۴۰ ق) را پادشاه حقیقی می خواند. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۴۵۰) و از این جهت در آن دوران به کارهای اساسی و پایه ای مثل تدوین بحار الانوار محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق) و ریاض العلماء میرزا عبدالله اصفهانی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ ق) و ترجمه بعضی از متون دینی پرداخته شد. در حکومت قاجار که می شود آن را وارث میراث فرهنگی و معنوی صفویان دانست بعضی از این مسائل مشاهده می شود، چنان که شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطا) (م ۱۲۲۷ ق) حکومت و سلطنت را به فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) اعطا می کند و او را به نیابت از خود در امر سلطنت بر می -گزیند (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۲۳۷؛ کاظمی موسوی، ۱۳۹۹: ۱۹۳) یا اینکه علما مشوق و مهیج مردم می شوند برای شرکت در نبردهای ایران و روس. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۳) چنین فضا و جایگاهی برای علما شیعی ایجاب می کرده است که بیش از مسائل دیگر به نوشتن شرح حال آن ها پرداخته شود و مردم به این دسته موضوعات تحت فضای ایجاد شده مراجعه کنند.

دومین دلیل که موجب توجه بیشتر به شرح حال نگاری علما شیعه شد کمبود کتاب های تراجم در این زمینه بوده که این خود انگیزه و موجب می شده است که برخی از علما به نوشتن شرح حال علمای پیشین و معاصر خود بپردازند؛ میرزا محمد تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ ق) در مقدمه تذکره العلماء که آن را در ۱۲۳۰ (۱۲۷۰ ق) به تحریر در آورده است به این موضوع اشاره می کند: «... چون علما رجال از اواسط متاخرین الی حال کمتر به تالیف کتب رجالیه پرداخته اند بلکه آنان که در این بادیه پیموده اند احوال خیرمآل علما و مشایخ اجازه و ذکر کتب مولفه و کیفیت احوالات ایشان و تدریس و تدرس ذکر ننموده اند ... نزدیک به آن شد که اسم سامی و نام نامی گرامی ایشان از صفحات دفاتر و قراطیس و اذهان محو گشته و به تارهای عناکب نسیان تنیده گردد.» (تنکابنی، ۱۳۹۳: ۲۶) البته تنکابنی در مقدمه قصص العلماء که آن را ۲۰ سال پس از تذکره العلماء نوشته در مقدمه به کمبود کتب تراجم شیعی دوباره اشاره داشته است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱)

دلیلی دیگر که موجب توجه بیشتر به تراجم یا شرح حال نگاری در دوران قاجار شد، آشنایی با فرهنگ جدید اروپا و ادبیات داستانی آن ها می باشد که در تاریخ نگاری و ادبیات ما نیز تاثیر داشته است. (بهبهانی، یآوری، ۱۳۹۱: ۵۹، ۵۲، ۶۰) چنان که یکی از کتاب هایی که در دارالترجمه تبریز بنا به امر عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹ ق) ترجمه شد، زندگینامه پطر کبیر بود؛ (کیانفر، ۱۳۶۸: ۲۶، ۲۵)

(البته نباید از تحولات تاریخ نگاری و تاثیرات آن در این دوره غفلت ورزید که تاثیر بسزایی در کلیت تراجم نگاری این دوره داشته است.

ویژگی های تراجم نگاری شیعی در عصر قاجار

چنان که بیان شد تراجم نگاری در این دوره بنا بر تحولات تاریخ نگاری و فضای سیاسی - فرهنگی و جایگاه علما و کمبود تراجم شیعی در عصر قاجار مورد توجه قرار گرفت و این موضوع موجب تغییراتی از جهات مختلف ادبی، محتوایی و ساختاری می شود. که در این بخش برای شناخت بهتر از تراجم نگاری شیعی در این دوره به بیان این ویژگی ها پرداخته می شود:

- نخستین ویژگی تراجم نگاری این دوره را باید کمیت این نوع از تاریخ نگاری دانست که با ادوار پیشین حتی دوره صفوی قابل مقایسه نیست. (ثواقب، ۱۳۸۰: ۱۱۹) و باید بیان داشت که تراجم - نگاری شیعی به صورت حقیقی در این دوره آغاز شده است. (واحد دوست، ۱۳۹۶: ۱۰۳۶)

- تکمیلی و متمیمی بودن از دیگر جنبه های تراجم نگاری این دوره است به این منظور که تراجم نگاران به تکمیل و متمیم آثار شرح حال نویسی پیشینیان پرداخته اند. طبقات الاعلام الشیعه از آقا بزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸ ش) و تكملة‌های گوناگون دیگر را می شود در این جهت دانست. (شکوری، ۱۳۶۵: ۲۲۱)

- ساده نویسی و پرهیز از اصطلاحات دشوار و فارسی نویسی از تحولات تاریخ نگاری در عصر قاجار است (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۲۴۹؛ واحد دوست، ۱۳۹۶: ۱۰۶۳) این ویژگی در تراجم - نگاری این دوره مشاهده می شود که بعضی از تراجم نگاران با نثر فارسی ساده و روان به شرح حال علما شیعه پرداخته اند. ریحانه الادب مدرس تبریزی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ ق)، دانشمندان آذربایجان محمدعلی تربیت (۱۲۵۶-۱۳۱۸ ش)، المآثر الآثار محمد حسن اعتماد السلطنه (۱۲۵۶-۱۳۱۳ ق) و قصص العلماء تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ ق) از این جمله می باشند.

- توجه به موضوعات سیاسی و اجتماعی و پرداختن به شرح حال رجال سیاسی از دیگر ویژگی - های تراجم نگاری عصر قاجار است. البته در گذشته به شرح حال رجال سیاسی توجه شده است؛ دستور الوزراء خواند میر (۸۸۰-۹۴۲ ق) در شرح حال وزرای ایران در این زمینه است و در عصر قاجار صدرالتواریخ محمد حسن اعتماد السلطنه (۱۲۵۶-۱۳۱۳ ق) به این شکل است ولی در این دوره علاوه بر شرح حال اشخاص دولتی به شرح حال کسانی پرداخته شده که در یک جریان سیاسی و اجتماعی مثل انقلاب مشروطیت، علیه شاه قاجار به مبارزه پرداخته اند؛ چنان که سید ابوالحسن علوی (م ۱۳۳۱ ش) در رجال عصر مشروطیت به شرح حال این اشخاص چه مشروطه خواه و

مشروع خواه پرداخته است. (علوی، ۱۳۸۵: ۵، ۳)

- ساماندهی مطالب بر اساس کنیه و القاب در دانشنامه‌ها و معاجم تراجم‌نگاری که در دوران قاجار مشاهده می‌شود ولی در اعصار پیشین در ایران با آن به عنوان یک ساماندهی شکلی مطالب در یک اثر مستقل روبرو نیستیم شیوه بیان مطالب بر اساس کنیه و القاب اشخاص است. یعنی در این شیوه از تراجم‌نگاری به شرح حال اشخاص بر اساس کنیه و القاب پرداخته می‌شود. کنی و الالقاب شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق)، نامه دانشوران ناصری و مجلد هفت و هشت ریحانه الادب مدرس تبریزی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ ق) و... به این شکل سامان یافته است.

- خاطره نگاری از دیگر شیوه‌هایی که در این دوران به صورت نوینی مورد توجه قرار گرفت. خاطره عبارت از: رویدادهایی که نویسنده خاطره شاهد وقوع آن‌ها بوده یا از افراد آگاه (منابع دست اول) آن‌ها را شنیده و به خاطر سپرده باشد. (اشرف، ۱۳۸۸: ش ۷۱، ۱۸۷) یعنی در حقیقت خاطره نویسان آن رویدادهایی را شرح می‌دهند که یا صورت مستقیما دخالت داشته یا حداقل از منابع دست اول استفاده کرده‌اند یا صرفا دیده‌ها و شنیده‌های خود را نقل می‌کنند. (فراگنر، ۱۳۷۷: ۶) و این خاطره نویسی‌ها به انواع مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی، دینی و... تقسیم می‌شوند که در دوره قاجار بنا به تحولات اجتماعی بیشتر به خاطرات سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است. (واحد دوست، ۱۳۹۶: ۵۸۷؛ فراگنر، ۱۳۷۷: ۷) خاطره نویسی و سرگذشت نامه نویسی، قالب بیانی خاصی ندارد و قالب‌های ادبی بسیار مختلف و متنوعی را می‌پذیرد. خاطره نویس با حفظ گذشته خویش در زمان حال و پیوند دادن آن به زمان آینده، زندگی خود را از حیث زمانی منسجم و معنی دار می‌سازد و از هر شکلی برای صیانت از آن بهره می‌جوید از کتیبه‌ها تا روایت ساده و خطی و نیز تا شعر و داستان؛ و بنابر این، هیچ گونه ادبی خاص با سبک و سیاق ویژه‌ای در نگارش خاطره وجود ندارد و آنچه اهمیت دارد، بیان روایتی خاطره است. (واحد دوست، ۱۳۹۶: ۵۸۶، ۵۸۷) با این حساب باید تفاوت‌هایی بین برخی از گونه‌های تاریخی و ادبی با خاطره نویسی قائل شد چنان که در خود زندگینامه اغلب از حوادث مهم و قابل توجه زندگی گذشته نویسنده صحبت می‌کند؛ و معمولا دوره‌ای طولانی از زندگی نامه او را در بر می‌گیرد؛ اما یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها و وقایع نامه‌ها اغلب بر مرحله‌ای خاص و حساس از زندگی فردی تمرکز می‌یابد و خاطرات بر موضوعی تاکید می‌ورزد که از شخصیت معروف یا حوادث پر اهمیتی در آن صحبت شده باشد. (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۸۳)

- شرح حال زنان جامعه از ویژگی‌های تراجم‌نگاری این دوره است چنان که محمد حسن اعتماد السلطنه (۱۲۵۶-۱۳۱۳ ق) در خیرات حسان به شرح حال زنان مشهور ایرانی و به شرح حال زنان

معاصر قاجاری پرداخته است که در ادوار پیشین در ایران به چنین موضوعی پرداخته نشده است. (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۶: ج ۳، ۳۵۷)

- معجم نگاری یا دانشنامه نگاری، از شیوه های مطرح تاریخ نگاری است که در آن شرح حال اشخاص بر حسب حروف معجم (الفبا) مرتب شده است. (سجادی، ۱۴۰۰: ۱۱۶) در عصر قاجار به این شیوه توجه ویژه ای شد و تحول دانشنامه نویسی را در این دوره دانسته اند. (آل داوود، ۱۴۰۰: ۳۳-۳۴) و این را می شود از ویژگی های تراجم نگاری این دوره خواند. ریحانه الادب مدرس تبریزی، نامه دانشوران ناصری، روضات الجنات خوانساری (۱۲۲۶-۱۳۱۳ ق)، کنی و الاقبا شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق) و لباب الاقبا ملا حبیب شریف کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق) به این شیوه نوشته شده اند.

کتابشناسی تراجم شیعی

در این بخش فهرستی مختصر در زمینه کتابشناسی تراجم شیعی آورده می شود. در این جدول آثاری فهرست شده اند که مولفان آن ها ایرانی بوده اند چه آثار خود را به زبان فارسی نوشته باشند و چه به زبان عربی؛ البته در این فهرست به بخشی از کتاب های تراجم شیعی عصر قاجار اشاره شده است.

شماره	عنوان کتاب	نام مولف	شیوه تاریخ نگاری	سال تالیف ^۱
۱	آثار عجم	فرصت الدوله شیرازی	محلّی	۱۳۱۴ ق
۲	احسن الذریعه فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه	سید محمد مهدی خوانساری	تراجم	۱۳۴۸ ق
۳	احسن الودیعه	سید محمد مهدی خوانساری	تراجم	۱۳۴۷ ق

۱ سال دقیق تالیف بعضی از کتاب ها که مشخص نبوده با علامت سوال نشان داده شده است.

۴	اسما المؤلفین	آقا بزرگ تهرانی	رجال و تراجم	؟
۵	انوار المشعشعین فی ذکر ورود الطالبین الی القمیین	محمد علی بن حسین نایینی اردستانی کچویی قمی	تراجم	۱۳۳۵ق
۶	الباقیات الصالحات فی تتمیم روضات الجنات	سید محمد مهدی خوانساری	تراجم	؟
۷	البدر المشعشع فی ذریه موسی المبرقع	میرزا حسین نوری	تراجم	۱۳۰۸ق
۸	بستان السیاحه	زین العابدین خان شیروانی	سفرنامه و تراجم	۱۲۴۷ق
۹	تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز	نادر میرزا قاجار	محلی	۱۳۰۲ق
۱۰	تاریخ کاشان	عبدالرحیم کلانتیری ضرابی	محلی	۱۲۸۸ش
۱۱	تجربه الاحرار و تسلیه الابرار	عبدالرزاق دنبلی	تذکره و تراجم	؟
۱۲	تذکره الخطاطین	میرزای سنگلاخ	تراجم	۱۲۹۱ق
۱۳	تذکره العلما	میرزا محمد تنکابنی	تراجم	۱۲۷۰ق
۱۴	تذکره القبور	عبدالکریم گزی	مزارات	۱۳۲۴ق
۱۵	تکمله امل الامل	عبد النبی قزوینی	تراجم	؟
۱۶	جغرافیای قدیم و جدید طالقان	محمد حسن اعتماد السلطنه	جغرافیا و تراجم	؟

۱۷	جغرافیای کرمان	احمدعلی خان وزیری	محلی	۱۲۹۳ق
۱۸	حیات الاسلام فی احوال آیه الملك العالم	آقا نجفی قوچانی	تک نگاری	۱۳۲۹ق
۱۹	خاتمه مستدرک الوسائل	میرزا حسین نوری	رجال و تراجم	۱۳۱۹ق
۲۰	خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی	ابراهیم زنجانی	خاطرات	۱۳۲۰ق
۲۱	دانشمندان آذربایجان	محمد علی تربیت	تراجم	؟
۲۲	رجال عصر مشروطیت	سید ابوالحسن علوی	تراجم	۱۳۳۶ق
۲۳	رجال عصر ناصری	دوستعلی خان معیر الممالک	تراجم	؟
۲۴	رساله سرگذشت	میرزا ابوالحسن جلوه	حسب و حال خود نوشت	۱۲۹۴ق
۲۵	روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات	میر سید محمد باقر خوانساری	تراجم	۱۲۸۶ق
۲۶	ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب	محمد علی مدرس تبریزی	تراجم احوال (فرهنگ نامه)	۱۳۲۶
۲۷	سیاحت شرق	آقا نجفی قوچانی	زندگینامه خود نوشت	۱۳۴۶ق

۲۸	سفینه محمود	میرزا محمود قاجار	تذکره و تراجم	۱۲۴۰ق
۲۹	شمس التواریخ	اسدالله ایزد گشسب	تراجم	۱۳۳۱ق
۳۰	طبقات الاعلام الشيعه	آقا بزرگ تهرانی	تراجم احوال معجم طبقاتی یا سده ای	۱۳۴۷ق
۳۱	قصص العلما	میرزا محمد تنکابنی	تراجم	۱۲۹۰ق
۳۲	فارس نامه ناصری	میرزا حسن فسایی	محلی	۱۳۱۱ق
۳۳	فوائد الرضویه فی احوال العلما الامامیه	شیخ عباس قمی	تراجم	۱۳۳۳ق
۳۴	الفيض القدسی فی احوال العلامه المجلسی	میرزا حسین نوری	تراجم	۱۳۰۲ق
۳۵	الکنى و الالقاب	شیخ عباس قمی	تراجم احوال	۱۳۵۴ق
۳۶	کرامات العلما	میرزا محمد تنکابنی	تراجم	۱۲۷۰ق
۳۷	گنج دانش	محمد تقی حکیم	تراجم	۱۳۰۵ق
۳۸	لباب الالقاب فی القاب الاطیاب	ملاحیب شریف کاشانی	تراجم	۱۳۱۹ق
۳۹	المآثر الآثار	محمد حسن اعتماد السلطنه	تراجم احوال	۱۳۰۴ق

۴۰	مرآت احوال جهان نما	میرزا احمد بهبانی کرمانشاهی	سفرنامه و تراجم احوال	۱۳۲۵ق
۴۱	مرآة البلدان	محمد حسن اعتماد السلطنه	معجم جغرافیایی و تراجم احوال	۱۲۹۷ق
۴۲	مسالك المتقين فی اجازات علمائنا المجتهدين	سید محمد مهدی خوانساری	اجازات و تراجم	؟
۴۳	مطلع الشمس	محمد حسن اعتماد السلطنه	سفرنامه و تراجم احوال	۱۳۰۱ق
۴۴	مقابس الانوار	اسد الله کاظمی شوشتری	از کتب فقهی است که در مقدمه شیخ اسد الله به مشيخه خود پرداخته است.	؟
۴۵	منظرالاولیا و اولاد اطهار	محمد کاظم بن محمد تبریزی	مزارات	۱۳۰۰ق
۴۶	ناسخ التواریخ	محمد تقی سپهر	تاریخ عمومی	۱۲۶۷ق
۴۷	نامه دانشوران ناصری	گروه مولفان زیر نظر محمد حسن اعتماد السلطنه	تراجم احوال (فرهنگ نامه)	۱۳۲۴ق
۴۸	نجوم السما فی تراجم العلما	محمد علی کشمیری	تراجم	۱۲۸۶ق
۴۹	نقبا البشر فی القرن الرابع عشر	آقا بزرگ تهرانی	تراجم	؟

۵۰	هدیه الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی و الالقاب و الانساب	شیخ عباس قمی	تراجم	۱۳۴۸ق
----	--	--------------	-------	-------

بررسی کتاب قصص العلما تنکابنی

قصص العلما تنکابنی یکی از کتاب‌های مطرح در زمینه تراجم‌نگاری در عصر قاجار است که به شرح حال علمای شیعه پرداخته و از جهات مختلف اعم از سیاسی، تاریخی و دینی قابل توجه است؛ می‌شود گفت تنها اثر شناخته شده میرزا محمد تنکابنی از علما سده سیزدهم هجری است که در این مقاله به معرفی و بررسی توصیفی - تحلیلی آن پرداخته می‌شود.

- زندگینامه محمد بن سلیمان تنکابنی^۱

محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ ق) از علمای قرن ۱۳ ق چنان که خود گفته است نیای چهارم او در سلک علما بوده است ولی چیزی از احوال وی در دست نیست. از نیای سومش عبدالمطلب نیز چنین ولی نیای دومش ملا محمد رفیع در تنکابن به دعا نویسی مشغول بوده است. ملا محمد رفیع دو فرزندش را به تحصیل علوم دینی می‌گمارد که یکی از آن دو پدر میرزا محمد تنکابنی یعنی سلیمان بوده است. سلیمان تنکابنی (م ۱۲۵۰ ق) بر تحصیل علم همت می‌گمارد و نزد علمای آن دوران یعنی ملا علی نوری (م ۱۲۴۶ ق) و آخوند ملا محمد علی نوری (م ۱۲۵۳ ق) فلسفه ملاصدرا و شرح لمعه را می‌آموزد. سلیمان بن محمد تنکابنی (م ۱۲۵۰ ق) علاوه بر علوم دینی متداول در حوزه‌های آن دوران در نزد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی به تحصیل علم طب می‌پردازد به نحوی که در طب سرآمد هم عصران خود می‌شود. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۸۴)

میرزا محمد تنکابنی بنا بر امر پدر به فراگرفتن علوم دینی مشغول می‌شود و نزد پدر و دایی‌های خود علوم مقدماتی را از جمله ادبیات و منطق می‌آموزد و پس از اتمام دروس مقدماتی راهی عراق می‌شود.

تنکابنی نزد کسانی چون شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر (۱۲۰۰-۱۲۶۶ ق)، سید

۱ تنکابنی در قصص العلما به شرح حال خود پرداخته است که در اینجا به خلاصه‌ای از آن زندگینامه اشاره می‌شود. ر ک: محمد بن

سلیمان تنکابنی، قصص العلما، ص ۸۳

ابراهیم موسوی صاحب ضوابط (۱۲۱۴-۱۲۶۴ق)، محمدباقر شفتی (۱۱۷۵-۱۲۶۰ق)، ملاصفرعلی لاهیجی، ملا صالح برغانی (۱۱۷۴-۱۲۷۱ق) و... به تحصیل پرداخته است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۲۴، ۱۷۵، ۱۱۱، ۱۰۹) و در اجازاتی که در قصص العلما آورده به خوبی این مسئله روشن است و این اجازات بیانگر جایگاه علمی اوست چنان که سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط (۱۲۱۴-۱۲۶۴ق) او را علامه العلما الاعلام و نخبه الفضلا الکرام خوانده است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۰)

میرزا محمد تنکابنی آثار فراوانی دارد و در قصص العلما فهرستی از آن‌ها را آورده است و به بیش از ۱۷۱ عنوان اشاره کرده است از جمله: توشیح التفسیر، شرح تصریف زنجانی، شرح بر شرح تقطازانی، حاشیه بر شرح امثله میر سید شریف، شرح عوامل جرجانی، رساله جفر، رساله در رمل، حواشی بر تشریح الافلاک شیخ بهایی، لغه الاضداد، بحرالبکا، مواعظ المتقین، شرح بر تجرید محقق طوسی، شرح دعای رجب، شرح دعای سحر معروف، هدیه الرازی، شرح وجیزه شیخ بهایی، رساله در صحت عدم صحت سلب قوانین، رساله در متاجر، تذکره العلما، قصص العلما، کرامات العلما. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۹۵)

- کتاب قصص العلما و اهمیت آن

قصص العلما یکی از مطرح ترین کتب تراجم عصر قاجار است که به شرح حال ۱۵۳ نفر (بدون احتساب خود مولف) از علمای شیعی اعم از فقیه، محدث و فیلسوف پرداخته است. تنکابنی قصص العلما را در سال ۱۲۵۰ (۱۲۹۰ ق) به آخر رسانده است و چنان که گفته است پس از ۵۰ سال تتبع و تفحص و استماع از سخنان اکرام ابرار و زبر ارباب مفاخر با رنج گردآوری کرده و در سه ماه آن را نوشته است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۵، ۶۱۷) این سخن به درستی بیانگر اهمیت قصص العلماست.

این کتاب در سال ۱۲۹۶ (۱۲۵۶ ق) به خط محمدحسین طالقانی در ۳۶۰ صفحه در قطع رحلی به طبع می‌رسد و علاوه بر چاپ‌های سنگی متعدد در ایران در لکنه و نیز منتشر می‌شود. (جمالزاده، ۱۳۲۰: ۸۷) پس از آن قصص العلما از سوی انتشارات اسلامیة در تهران دو نوبت منتشر می‌شود اما بی مقدمه و توضیحات.

چاپ دوم قصص العلما در سال ۱۳۶۴ منتشر می‌شود که در صفحه آخر آن اسم محمد هادی امینی آمده است.

در سال ۱۳۸۵ انتشارات علمی فرهنگی قصص العلما را به شکل مطبوعی با پیش گفتار و تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی منتشر می‌کند که با فرهنگ لغت و فهرست‌های

متعدد همراه است و می‌شود آن را بهترین چاپ قصص العلما دانست. گفتنی است در سال ۱۳۲۰ خورشیدی نیز خلاصه‌ای از قصص العلما با عنوان قصه‌ی قصه‌ها از سوی سید محمد علی جمالزاده (۱۳۷۰-۱۳۷۶) داستان نویس شهیر منتشر شده است.

قصص العلما از زمانی که منتشر شده تا به امروز مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است چنان که آن را بهترین کتاب برای اطلاع از روش زندگی خاص و محدود این طبقه (علما و روحانیت) دانسته‌اند. (براون، ۱۳۶۹: ۳۰۷) و پیشنهاد تصحیح این کتاب از سوی محمد رضا شفیعی کدکنی به درستی اهمیت این موضوع را می‌رساند. (تنکابنی، ۱۳۹۹: نوزده) و امروزه پژوهشی در زمینه شناخت علمای عصر قاجار و اندیشه سیاسی و دینی آن‌ها دیده نمی‌شود که از قصص العلما استفاده نکرده باشد و این خود نشانگر اهمیت این کتاب است.

- منابع قصص العلما

منابعی که تنکابنی در قصص العلما به آن‌ها استناد کرده است به دو دسته: ۱- مکتوب
۲- شفاهی تقسیم می‌شود. چنان که بیان داشته از منابع مکتوب علمای پیشین استفاده کرده و در مقدمه قصص العلما به بعضی از این معاجم تراجم احوال ادوار پیشین اشاره می‌کند از جمله: ۱- معالم العلما ابن شهر آشوب (۴۸۹-۵۸۸ق) که آن را ابن شهر آشوب در قرن ششم هجری در تکمله فهرست شیخ طوسی نوشته است. ۲- رساله عبیدالله بن علی که منظور، فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی (۵۰۳-۵۸۵ق) است و اسم او علی بن عبیدالله است نه عبیدالله بن علی؛ این فهرست نیز در تکمله فهرست شیخ طوسی است. (رازی، ۱۳۶۶: ۸؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱۶، ۳۹۶) ۳- امل الآمل شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) در شناخت علما جبل عامل ۴- ریاض العلما و حیاض الفضلا میرزا عبدالله اصفهانی (۱۰۶۶-۱۱۳۰) ۵- لولو بحرین شیخ یوسف بحرانی (۱۱۰۷-۱۱۸۶ق) ۶- روضه البهیة ملا شفیع بروجردی (م ۱۲۸۰ق) ۷- مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹ق) ۸- رساله شیخ اسدالله (۱۱۸۶-۱۲۳۴ق) که منظور همان مقابس الانوار اسد الله شوشتری کاظمی است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۲)

نکته این است که به گفته خود تنکابنی چهار کتاب نخست را که از مهم‌ترین کتاب‌های تراجم شیعی می‌باشند ندیده و این موجب تعجب است و علاوه بر این از منابع متعدد دیگر چون: رساله ابی غالب ززاری (۲۵۸-۳۶۸ق)، النقض عبدالجلیل قزوینی رازی (م ۵۶۰ق)، تاریخ‌های محلی گوناگون که به شرح حال علمای شیعه توجه داشته‌اند مثل تاریخ بیهق علی بن زید بیهقی (۴۹۰-۵۶۵ق)، تذکره هفت اقلیم، تاریخ مفید مستوفی بافقی (ز ۱۰۹۰ق)، عالم آرای عباسی، تذکره شیخ

حزین (۱۱۰۳-۱۱۸۰ ق)، مرآت احوال جهان نما بهبهانی (۱۱۹۱-۱۲۳۵ ق) و... استفاده نکرده و حتی اسمی از آن‌ها نبرده است و این مساله از دو جهت خارج نیست: یا از آن‌ها اطلاع نداشته یا اطلاع داشته ولی توجه نکرده است.

تنکابنی از منابع مکتوب دیگری نیز بهره برده و در کتاب خود به آن‌ها استناد جسته است از جمله آن‌ها می‌شود به: انوار نعمانیه، زهرالریح، حدیقه الشیعه، بدایه الدرایه، رجال ابن داوود، اجازه کبیر شهید ثانی، کشکول شیخ بهایی، خلاصه الرجال، وفیات ابن خلکان، جامع التواریخ رشید الدین فضل‌الله، مصابیح القلوب، در المنثور، مقابس الانوار، منتهی المقال ابوعلی، کامل ابن الاثیر، نقد الرجال تفرشی، تاریخ حافظ ابرو، غواص اللثالی، تذکره شیخ نورالدین، اجازه بنی زهره علامه حلی، حبیب السیر خواند میر، رجال شیخ طوسی، تذکره ابن عراق و رجال نجاشی اشاره کرد؛ مساله قابل توجه منابع شفاهی قصص العلما است که تنکابنی در طول عمر خود با مراداتی که با علما داشته گردآوری کرده است و این گفت و شنودها شاکله اصلی قصص العلما است و تاکید تنکابنی در اثر خود بیشتر بر این منبع می‌باشد.

- ساختار قصص العلما

تراجم نگاران هر یک برای معاجم خود از یک ساختار شکلی استفاده کرده و می‌کنند. چنان‌که گاهی محتوا و مطالب معاجم را بر اساس حروف الفبا یا براساس حرف اول اسم شخص یا بر اساس حروف ابجد و کنیه و القاب و... نوشته‌اند. هر یک از این شیوه‌های ساماندهی مطالب موجب شده است که تراجم نگاری شیوه‌ها و انواع مختلفی داشته باشد. در قصص العلما تنکابنی شیوه ساماندهی مطالب را بر اساس ازمنه و حروف ابجد قرار داده و از مشایخ اجازه و اساتید خود شروع می‌کند تا مشایخ آن‌ها و در آخر به کلینی (م ۳۲۹ ق) می‌رسد. تنکابنی ساختار شکلی کار خود را در قصص العلما این گونه بیان می‌کند:

لیکن در این کتاب اسامی علما را به ترتیب ازمنه و اعصار مرتب داشته‌ام و به حساب ابجد به حروفشان گذاشته‌ام. ابتدا نمودم به علما زمان خود... (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۳)

البته تنکابنی در قصص العلما به شرح حال همه علمای شیعی نپرداخته است، بلکه چنان‌که گفته غرض وی شرح حال مشایخ اجازات حدیث است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۲۶۵، ۴۰۵) ولی گاهی به شرح حال دیگر اشخاص غیر از مشایخ اجازات حدیث پرداخته است؛ اگر چه به اسامی علما اهل سنت اشاراتی داشته است ولی مدخلی برای بیان شرح حال آن‌ها اختصاص نداده است و به این دلیل باید قصص العلما را از تراجم خصوصی خواند.

لکن مهم ترین نکته ساختار محتوایی یا همان اسلوب و روش کار تنکابنی در قصص العلماء است که این امر موجب شده او از دیگر معاجم متمایز شود و آن شیوه داستانی و روایی این کتاب است؛ که هر مخاطبی در نخستین مواجهه با متن کتاب به این مطلب آگاه می شود که عنصر اصلی قصص - العلماء حکایات آن و نحوه بیان آن است. البته این شیوه شرح حال با حکایت و بیان روایی از ویژگی - های اصلی شرح حال نویسی فارسی است که در ادوار پیشین در آثاری چون اسرار التوحید در بیان احوالات شیخ ابو سعید ابی الخیر (۳۵۷-۴۴۰ ق) و تذکره اولیا عطار (۵۴۰-۶۱۸ ق) و... مشاهده می شود؛ و این حکایات به نثری روان و ساده و آشنا قصص العلماء را خوش خوان و عام پسند کرده است. چنان که ادوارد بروان (۱۸۶۲-۱۹۲۶ م) خواندن قصص العلماء را نسبت به روضات الجنات آسانتر دانسته است. (براون، ۱۳۶۹: ۳۹۳)

نکته دیگر درباره مداخل و شیوه ساماندهی مطالب قصص العلماء این است که تنکابنی از یک روش منطقی و اصولی برای بیان مطالب استفاده نکرده و در یک مدخل به مطالب گوناگونی پرداخته است؛ و این موجب یک نوع پراکندگی و بی نظمی شده است چنان که گاه کار را به تکرار یک مطلب می کشاند.

نکته دیگر اینکه در هر مدخل از کتاب علاوه بر شرح حال شخص بخشی دیده می شود به عنوان کرامات آن شخص که در دیگر کتب تراجم با این موضوع به این عنوان روبرو نمی باشیم؛ و تنکابی به هر شکلی که خواسته مطلب خود را بیان داشته و از روش و نظم خاصی پیروی نکرده است.

- ویژگی های قصص العلماء

محمد تنکابنی در آخر قصص العلماء به توضیحاتی چند درباره کتاب خود پرداخته است (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۵) که می شود گفت با این توضیحات کوتاه از ویژگی های اثر خود سخن گفته که در اینجا به بیان و توضیح آن ها پرداخته می شود:

نخستین ویژگی قصص العلماء این است که منبع (اسناد) مطالبی را که بیان داشته ذکر می کند یعنی اینکه تنکابنی از خود سخنی نگفته و آنچه را که شنیده و مشاهده کرده آورده است. ویژگی دیگر کتابشناسی قصص العلماء است که به تالیفات کسانی که به شرح حال آن ها پرداخته است اشاره می کند و گاه به توضیح کوتاهی درباره بعضی از کتاب ها می پردازد. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۹۵، ۳۵، ۶)

از ویژگی های مهم دیگر قصص العلماء جنبه های تعلیمی و آموزشی آن است که خود تنکابنی آن را در نظر داشته و به آن اشاره می کند، این است که: طلاب را معین در تحصیل و در طلب علم

هادی و دلیل است. یا اینکه از مطالعه این کتاب طریقه علم حاصل می‌شود. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۵، ۶۱۶) و در هر مدخلی نکاتی به طلاب گوشزد شده است با حکایاتی قابل تامل، مانند اینکه به جهت فقر و تنگدستی دست از تحصیل علم نکشند (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۳۳۹) و تحصیل علم را متوقف نکنند حتی با مرگ نزدیکان و خویشان یا اینکه شب‌ها را با مطالعه تا صبح سپری کنند و... (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۴۳۸، ۱۶۸) علاوه بر این‌ها از لحاظ شیوه تحصیل و تاریخ تعلیم و تربیت در برهه‌ای خاص در ایران قابل توجه است که خود موضوع مقاله‌ای است مجزی. بیان مطالب و مباحث علمی و اشاره به مسائل اختلافی بین علما را می‌شود از دیگر مزایای قصص‌العلما خواند که در کمتر تراجمی به چنین موضوعاتی به این تفصیل پرداخته شده است؛ چنان‌که در اکثر مداخل به مناظرات و نظرات علما پرداخته است. مناظره شهید ثالث و ملا صفر علی لاهیجی در باره زکات حیوان، مناظره با حاج محمد کریم خان کرمانی از رهبران مکتب شیخیه در مسائل مختلف دینی، مناظره با علما عامه (اهل سنت) درباره کسانی که قرآن سید علی محمد باب را به عراق آورده بودند، مکاتبات ملا علی نوری و میرزای قمی از آن جمله مناظرات می‌باشند. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۷۵، ۳۳۱، ۱۹۳)^۱

مطلب دیگری که تنکابنی از آن غفلت نداشته است و به آن اشاره می‌کند حکایات و داستان‌هایی است که آن‌ها را مجلس‌آرا و زینت مجالس اکابر خوانده است (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۶) و می‌شود گفت به موجب این حکایات است که تنکابنی خواندن قصص‌العلما را موجب رفع خستگی دانسته است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۶) حکایات یا به تعبیر خود تنکابنی «قصص» از اهم مزیت‌های قصص‌العلما است؛ موضوعی که باعث شده اثر او از دیگر تراجم عصر قاجار متمایز شود و حکایاتی را که تنکابنی آورده است در دیگر تراجم به آن‌ها نپرداخته‌اند.^۲

از دیگر وجوه متمایز کننده قصص‌العلما نثر فارسی، ساده و روان آن است؛ و این قابل توجه است زیرا در آن دوران اکثر معاجم تراجم احوال و کتب دینی به عربی نوشته می‌شد.

بیان مسائل سیاسی و اجتماعی در ذیل حکایات یکی دیگر از مزایا و محسنات قصص‌العلما

۱ تنکابنی در قصص‌العلما در صفحات مختلفی به این موضوعات پرداخته است ولی در اینجا برای نمونه به بعضی موارد اشاره شد.

۲ در این موضوع بنگرید به مداخل آقا محمدباقر بهبهانی و محمدباقر شفتی مشهور به حجت الاسلام در روضات الجنات خوانساری و آن حکایات را مقایسه کنید با مداخل مذکور تنکابنی در قصص‌العلما. (میر سید محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۸۲ - ۲۹۸؛ محمد تنکابنی، قصص‌العلما، ۲۴۸-۲۵۲، ۱۷۵-۲۱۰).

است. چنان که با مطالعه این کتاب فضای جامعه سیاسی، دینی و اجتماعی عصر قاجار در ذهن خواننده آن نقش می بندد. خواستگاری فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) برای دخترش و پاسخ علما، سخن گفتن از رابطه حکام و علما و بالعکس و دیدار با ناصر الدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) و به نیابت برگزیدن فتحعلی شاه به سلطنت از سوی شیخ جعفر کاشف الغطا (م ۱۲۲۷ ق)، بیان علت شکست عباس میرزا در جنگ دوم ایران و روس از طرف علما را می شود از حکایات سیاسی قصص-العلما دانست. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۲، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۳۷، ۳۰) و گفتنی است قصص العلما تاریخ شفاهی دوره ای از حیات علمای عصر قاجار است.

تنکابنی در ضمن مطالبی که در باره قصص العلما بیان داشته به نکاتی اشاره می کند که می شود آن ها را از اغراض او در تالیف قصص العلما دانست: اینکه مردم اسامی علما را حفظ کنند و در قنوت نماز وتر خود آن ها را دعا کنند یا اینکه با خواندن قصص العلما از محبت دنیا رها شوند و نیت طلاب خالص شود. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶۱۶)

- نگاهی انتقادی به قصص العلما

نخستین انتقاد بر قصص العلما این است که مولف آن به ترتیب زمانی که ساختار ظاهری کتاب را شکل می دهد و در مقدمه به آن اشاره کرده پایبند نبوده است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۳) چنان که با نگاهی کلی به فهرست کتاب دیده می شود که ذیل شرح حال فاضل هندی (۱۰۶۲-۱۱۳۵ ق) به شرح حال ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) پرداخته یا پس از شرح حال شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) شرح حال ابن میثم بحرانی (۶۳۶-۶۹۹ ق) را بیان کرده است و اینکه کتاب را با شرح حال سید نعمت الله جزائری (۱۰۵۰-۱۱۱۲ ق) که از علمای عصر صفوی است به پایان می برد در حالی که باید کتاب با شرح حال یکی از علمای قرن سوم و چهارم مثل کلینی (م ۳۲۹ ق) که به شرح حال آن ها پرداخته است خاتمه می یافت؛ البته باید توجه داشت که این کارها سهوا صورت نگرفته و مولف به این مسئله آگاه بوده است چنان که ذیل احوال شیخ جعفر نجفی (م ۱۲۲۷ ق) بیان می کند: ... میرزا محمد مهدی شهرستانی اصفهانی که مفسر عجیبی بود و او داماد شیخ جعفر نجفی است و بارع در تحقیق و تدقیق... چنان که احوالش در ترجمه فاضل محمد بن حسن اصفهانی بیاید. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۲۴۳) یا اینکه در شرح حال ملا علی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ ق) آورده که مفصلا در خاتمه کتاب ذکر می شود (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۵۰) این سخنان تنکابنی به درستی نشان می دهد که او به پایبند نبودن ساختار شکلی اثر خود آگاه بوده و اگر چنین نبوده چه دلیلی داشته است که احوال محمد شهرستانی را که در عصر قاجار زندگی می کرده در ذیل احوال فاضل هندی (۱۰۶۲-۱۱۳۵ ق) فیلسوف و فقیه

عصر صفوی بیان کند؟ البته در ذیل احوال فاضل هندی به این موضوع نیز نپرداخته و احوال ملا علی کنی نیز در آخر کتاب ذکر نشده است.

مطلب دیگر این است که تنکابنی بیان داشته که این کتاب در شرح حال مشایخ اجازات حدیث است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۴۰۵، ۲۶۵) ولی علاوه بر مشایخ اجازات حدیث به شرح حال دیگر اشخاص نیز پرداخته است؛ مثل ابن سینا(۱)، خواجه نصیرالدین طوسی(۱) و ملاصدرا(۱) که از مشایخ اجازات نمی‌باشند.

نقدی دیگر سخنی است از شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۹ ش) در الذریعه به این بیان که: قد اورد فیه تراجم مائه و ثلاث و خمسين من العلما بغیر ترتیب. (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱۷، ۱۰۷) از این سخن آقا بزرگ تهرانی (بغیر ترتیب) دو برداشت می‌شود نخست ترتیب زمانی که بیان شد دوم نظم در نوشتار و گفتار است که در اینجا این برداشت منظور می‌شود. قصص العلما از آن دسته از کتب تراجم است که در آن مطالب به صورت پراکنده بیان شده و تنکابنی ذیل شرح حال اشخاص از هر دری سخن به میان آورده است^۱ و اصول تراجم‌نویسی و منطق نوشتاری در آن مشاهده نمی‌شود از این جهت در ذهن خواننده آن یک آشفتگی حاصل می‌شود.

جانبدارانه و متعصب سخن گفتن تنکابنی در بعضی از مداخل قصص العلما را می‌شود از دیگر انتقادات مطرح به این کتاب دانست چنان که در ذیل احوال استادش سیدابراهیم قزوینی (۱۲۱۴-۱۲۶۴ق) و شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۲ق) و توضیحاتی که درباره مکتب شیخیه بیان داشته این موضوع کاملاً مشهود است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۵، ۱۱، ۴۹، ۵۰)

ادبیات مبالغه‌آمیز تنکابنی در قصص العلما از انتقادات اصلی و مهم این کتاب است. چنان که گاهی به گونه‌ای از عالمان شیعه سخن می‌گوید که گویا برای آن‌ها مقام عصمت و علم غیب قائل است و حتی محبت آن‌ها را محبت امامان دانسته است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱) و از این جهت بخشی را به عنوان کرامات در مداخل برای آن‌ها قائل شده است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۴، ۱۵۳، ۲۱۰، ۲۴۴) هر چند کرامت در قصص العلما به تعابیر مختلفی به کار برده شده است و نمی‌شود منظور از کلمه کرامت را صرفاً کارهای خارق العاده دانست زیرا بسیاری از مطالبی که تنکابنی بیان می‌کند

۱ در این خصوص برای نمونه بنگرید به مدخل شرح حال ملا محمد تقی برغانی قزوینی که به مباحث تعبیه و تشبیه، احوال شیخ احمد احسائی و عقاید او و پاسخ به عقاید او، خارق عادت صوفی و مؤمن، نظر متشرعه و صوفیه درباره گوشت خوردن، عقاید باب و مناظره با او، احوال حاج محمد کریم خان کریمانی؛ و به ده ها مبحث فرعی دیگر پرداخته است که به خوبی آشفتگی و نبود نظم در گفتار تنکابنی را نشان می‌دهد.

تیز هوشی و پشت کار و استعداد اشخاص را می‌رساند چنان که بیان می‌کند: آن جناب (سید ابراهیم موسوی قزوینی) کتاب ضوابط الاصول، را در دو مجلد ... در دوماه تالیف فرمود. و این، از کرامات آن جناب است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۶) یا در مدخل دیگری می‌گوید: تالیف آن کتاب بدان وجه در کرامات آن جناب معدود است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۲۲۱) و در بعضی مداخل استخاره‌های برخی از این عالمان را از کرامات آن‌ها آورده است. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۳) بیان القاب پرطمطراق و تعریف‌های بیش از حد معمول از برخی عالمان را می‌شود از نمونه‌های دیگر ادبیات مبالغه آمیز تنکابنی در قصص العلما دانست.

موضوع دیگر نحوه گزینش حکایات و نوع بیان آن‌ها است؛ تنکابنی در قصص العلما به بیان افسانه‌هایی همت گماشته که با هیچ عقل سلیمی منطبق نیست و این اساسی‌ترین انتقاد بر قصص العلماست؛ چنان که بیان می‌کند: ملا صفرعلی لاهیجی به جهت تدریس حکمت (فلسفه) دهانش بوی بدی گرفت یا اینکه اجنه در درس ملا محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق) حاضر می‌شدند. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۱۱۱، ۲۵۶)^۱ از این رو مشخص است در گزینش و انتخاب حکایات رویکردی غیر انتقادی داشته است و کمتر تشکک و تفکری را به کار برده است و صرفاً چیزی را که شنیده به نقل آن پرداخته است. وی به خواب‌ها نیز استناد کرده به بیانی که آن‌ها را حجت قاطع می‌داند. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۳۹، ۶۰، ۱۲۲) نقد و شک دیگران را نیز جایز نمی‌داند؛ ذیل سخن صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی (۱۱۰۷-۱۱۸۶ق) که به نقد این مطلب پرداخته که بعید است فخر المحققین (۶۸۲-۷۷۱ق) تا پیش از ده سالگی علوم معقول و منقول را خوانده باشد بیان می‌کند: عجب از صاحب حدائق است که در باب سید بن طاووس و فخر المحققین، مراتب مسطوره را انکار نموده، با این که محل انکار نیست. (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۴۰۵) در نتیجه بیان این گونه حکایات چیزی که در جامعه ظاهر می‌شود خرافه‌پرستی است و در حقیقت این حکایات بیانگر ساختار جامعه دینی و مذهبی آن دوران است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۰، ۳۱) از این جهت ادوارد براون بعضی از حکایات قصص العلما را خسته کننده، مبتذل و بی‌پهلو خوانده است. (براون، ۱۳۶۰: ۳۰۷) مطلب دیگر سخنی است از محمد حسن اعتمادالسلطنه (۱۲۵۶-۱۳۱۳ق) درباره تنکابنی و قصص العلما به این بیان: میرزا محمد تنکابنی فقیه مقدس، صادق، سلیم الصدر ساده لوح بود و در تالیف قصص العلما علم تراجم و رجال را قرین انفعال نمود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۸۷) این سخن اعتمادالسلطنه به عنوان یکی از مورخان سرشناس عصر قاجار و کسانی که در تحول تاریخ‌نگاری این

۱ برای مطالعه در این رابطه بنگرید به صفحات متعدد قصص العلما: ۱۳، ۳۸، ۱۳۹، ۲۱۰، ۲۵۸، ۲۵۹، ۴۰۶، ...

دوره نقش داشته قابل اعتنا است؛ و درحقیقت انتقادی اصلی و کلی به قصص العلما و روش تنکابنی است؛ زیرا او را ساده لوح دانسته و به احتمال این به جهت آن است که هرچه راشنیده قابل اعتماد دانسته و بیان داشته است؛ و از این نظر است که قصص العلمای تنکابنی رجال و علم تراجم را قرین انفعال یا به تعبیر بهتر قرین انحطاط نموده و این سخنی قابل توجه است.

- نتیجه گیری

تراجم نگاری شیعی در عصر قاجار به طور ویژه‌ای قابل توجه واقع شد و جایگاه سیاسی روحانیت و نقش آن‌ها در جامعه و کمبود چنین آثاری در این زمینه و تحولات تاریخ نگاری را می‌شود از جمله عوامل توجه به شرح حال نویسی علمای شیعه دانست و این توجه تغییراتی را در تراجم‌نگاری شیعی موجب شد. تکمیلی و متمیمی بودن تراجم این دوره نسبت به تراجم نگاری پیشین، ساده و روان نویسی به زبان فارسی، پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی و بیان شرح حال رجال سیاسی، بیان شرح حال اشخاص بر اساس کنیه و القاب، خاطرات نویسی به شیوه نوین، پرداختن به شرح حال زنان جامعه در یک اثر مستقل و توجه به دانشنامه‌نگاری را می‌شود از جمله ویژگی‌های تراجم شیعی این دوره خواند؛ البته باید این تغییرات را در جهت تکمیل و متمیم تراجم پیشین خواند نه دگرگونی که موجب گذار از تراجم‌نویسی پیشین شود؛ علت این امر این است که در این دوره اکثر کسانی که نگارش و تالیف کتب تراجم را بر عهده داشته‌اند علما و مجتهدین حوزوی بوده‌اند و از این رو تغییرات چندانی در ادبیات و گفتار و فکر آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در قصص‌العلما تنکابنی که از مشهورترین آثار تراجم این دوره است و به بررسی آن پرداختیم علاوه بر رویکرد غیر انتقادی به شرح حال علما شیعه ساختار و شیوه آن همان شیوه پیشینیان است و از نظم و اسلوب خاصی در بیان مطالب پیروی نکرده است؛ از این جهت مولف در این اثر مطالب گوناگونی اعم از مسائل فلسفی، دینی و فقهی را گاه در یک مدخل گنجانده است ولی نثر روان و ساده و حکایات و داستان‌هایی که از علما بیان داشته است در کمتر شرح حال نگاری دیگری به آن‌ها پرداخته‌اند این از مهم‌ترین مزایای قصص‌العلماست؛ که موجب تمایز قصص‌العلما نسبت به دیگر تراجم این دوره است.

*** کتابنامه**

۱. آئینه‌وند، صادق (۱۳۷۷) علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۱.
۲. آرین پور، یحیی (۱۳۵۱) از صبا تا نیما، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، جلد ۱.
۳. آژند، یعقوب (۱۳۹۴) تاریخ نگاری در اسلام، تهران: نشر گستره.
۴. _____، _____ (۱۳۸۸) تاریخ نگاری در ایران، تهران: نشر گستره.
۵. اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۹۵) علما عهد ناصر الدین شاه قاجار (باب دهم المآثر الاثار)، تحقیق ناصر الدین انصاری قمی، قم: موسسه کتابشناسی شیعه.
۶. الگار، حامد (۱۳۹۶) دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
۷. براون، ادوارد (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق ضیاالدین سجادی و عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات مروارید.
۸. تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۹۳) تذکره العلما، به اهتمام محمد رضا اظهري و غلامرضا پرنده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. _____، _____ (۱۳۹۹) قصص العلما، تصحیح محمد رضا بزرگ‌خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳ هـ) الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، الطبعة الثالثة، جلد ۱۶.
۱۱. _____ - _____ (۱۴۰۳ هـ) الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، الطبعة الثالثة، جلد ۱۷.
۱۲. ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰) تاریخ نگاری عصر صفوی و شناخت منابع و مأخذ، شیراز: نوید شیراز.
۱۳. جمالزاده، سید محمد علی (۱۳۲۰) قصه‌ی قصه‌ها، تهران: بنگاه پروین.
۱۴. خوانساری، میر سید محمد باقر (۲۵۳۵) روضات الجنات فی احوال العلما و السادات، ترجمه محمد باقر ساعد خراسانی، تهران: کتابفروشی اسلامی، جلد ۱.
۱۵. رازی، شیخ منتجب الدین علی بن بابویه (۱۳۶۶) الفهرست، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۱۶. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) انواع نثر فارسی، تهران: سمت.
۱۷. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۸) اندیشه و سیاست در ایران قاجار، تهران، نگارستان اندیشه، جلد ۱.
۱۸. _____، _____ (۱۳۹۵) تاریخ ایران در دوره قاجار عصر آقا محمد خان، تهران: سمت
۱۹. سجادی، صادق (۱۴۰۰) تاریخ نگاری در قلمرو اسلام، تهران: فرهنگ جاوید.
۲۰. سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۹۶) فرهنگ آثار ایرانی- اسلامی، تهران: سروش، جلد ۳.
۲۱. علوی، سید ابوالحسن (۱۳۸۵) رجال عصر مشروطیت، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۲۲. کاظمی موسوی، احمد (۱۳۹۹) خاقان صاحب قران و علمای زمان، تهران: انتشارات- آگاه.
۲۳. گروه نویسندگان زیر نظر احسان یار شاطر (۱۳۹۱) ادبیات داستانی در ایران زمین (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، مترجم پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
۲۴. قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳) تداوم و تحول تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۲۵. فراگنر، برت (۱۳۷۷) خاطرات نویسی ایرانیان، مترجم مجید جلیوند رضایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. واحد دوست، مهوش (۱۳۹۶) ادبیات ایران در دوره قاجار، تهران: انتشارات سروش.
۲۷. مقالات
۲۸. آل داوود، سید علی (۱۴۰۰) "دانشنامه نگاری در دوره قاجار"، فصل نامه مطالعات دانشنامه نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱، بهار، صص ۳۳، ۳۴.
۲۹. اشرف، احمد (۱۳۸۸) "تاریخ، خاطره، افسانه"، بخارا، شماره ۷۱، خرداد و شهریور، ص ۱۸۷.
۳۰. سلمانی، پرویز (۱۳۸۳) مقاله "تنکابنی، محمد بن سلیمان" در دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۳۱. شکوری ابوالفضل (۱۳۶۵) "شرح حال نگاری اسلامی: کفایتها و کمبودهای آن"، مجله

یاد، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان، ص ۲۲۱.

۳۲. شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۹) "ساختار ساختارها"، بخارا، شماره ۷۷-۷۸، مهر و دی،

صص ۳۱، ۳۱.

۳۳. کیانفر، جمشید (۱۳۶۸) "ترجمه در عهد قاجار"، نشریه دانش، شماره ۵۵، آذر و دی،

صص ۲۵، ۲۶.